

بسم الله الرحمن الرحيم

مباحثی که تاکنون گفته شد تماماً جنبه‌ی مقدماتی داشت. چرا که ما در پی بیان اعتبار توثیقات عامه و اعتبار مصادر رجالی و رتبه‌ی آنها هستیم.

اندیشمندان رجالی و فقهی اموری را از توثیقات عامه دانسته‌اند. یعنی آنها را یک سری قواعد کلی در جهت اثبات وثاقت روات در روایات معرفی کرده‌اند. لذا شایسته است هر یک از این توثیقات عامه که بیش از ۱۰ مورد می‌باشد جداگانه بررسی و تحقیق شود.

توثیق اول، توثیق مشایخ ثقات: مشهور و معروف بین اصحاب امامیه است که هر روایتی را که محمد بن ابی عمیر و صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی از کسی روایت کنند آن فرد، محکوم به وثاقت است. چون این بزرگواران جز از ثقه روایت نمی‌کنند. لذا حکم روایت مرسله این سه نفر، حکم روایات مسنده ایشان را دارد هرچند واسطه‌ای که در روات هست، شخصی مجهول یا مهمل باشد.

اساس این توثیق عام و بحث درباره آن از زمانی شروع شد که شیخ طوسی در کتاب العده مطلبی را مطرح فرمودند که: و إذا كان أحد الراوين مسندا و الآخر مرسلا نظر في حال المرسل، فان كان ممن يعلم أنه لا يرسل إلّا عن ثقة موثوق به فلا ترجيح لخبر غيره على خبره، و لأجل ذلك سوت الطائفة بين ما يرويه محمد بن أبى عمیر و صفوان بن یحیی و أحمد بن محمد بن أبى نصر و غيرهم من الثقات الذين عرفوا بأنّهم لا يروون ولا يرسلون إلّا عنّ يوثق به و بين ما أسنده غيرهم، ولذلك عملوا بمراسيلهم إذا انفرد عن روایة غيرهم.^۱

کلام شیخ طوسی دو نکته دارد: ۱- کل من روی عنه هولاء محکوم بالوثاقه. ۲- مراسيلهم کمسانیدهم. این قاعده مرکبه از دو نکته (یک نکته رجالی و یک نکته اصولی) است که بسیاری از متقدمین و حتی متاخرین از فقهاء آن را به عنوان یک قاعده صحیحه شناخته و بر اساس آن استنباط می‌کنند. من جمله:

مورد اول: قال رضي الدين على بن طاوس في فلاح السائل، بعد ذكر خبر عن أمالى الصدق، سنه هكذا: محمد بن موسى بن المتكى، عن على بن إبراهيم، عن أبى عمیر، قال: حدثى من سمع أبا عبد الله (عليه السلام) يقول: «ما أحب الله من عصاه»، فقال السيد: و رواه الحديث ثقات بالاتفاق، و مراسيل محمد بن أبى عمیر كالمسانيد عند أهل الوفاق، و مر في شرح المشيخة.^۲

مورد دوم: روایه محمد بن ابی عمیر، عن بعض أصحابنا، عن ابی عبد الله عليه السلام قال: «الکر ألف و مائتا رطل» و على هذه عمل الأصحاب، و لا طعن في هذه بطريق الإرسال لعمل أصحاب الحديث بمراسيل ابن ابی عمیر....^۳

مورد سوم: فاضل آبی در کشف الرموز می فرماید: فی روایة ابن ابی عمیر، عن جمیل بن دراج، عن بعض أصحابنا عن أحدھما علیھما السلام، فی رجل نسی آن یحرم، او جهل، و قد شهد المناسک کلها، و طاف و سعی، قال: تجزیه نیّه، إذا كان قد نوی ذلک فقد تم حجّه، و ان لم یهل (الحدیث). و هذه و ان کانت مرسله، لكن الأصحاب تعلم بمراسيل ابن ابی عمیر، قالوا: انه لا ینقل إلّا ما یعتمد عليه.^۴

۱- عدة الأصول، ج ۱، ص ۳۸۶ و ۳۸۷

۲- فلاح السائل: ۱۵۹

۳- المعتبر في شرح المختصر، ج ۱، ص ۴۷

مورد چهارم: مرحوم شهید اول در الذکری در مقام بیان احکام اقسام روایت می فرماید: او کان مرسله معلوم التحرر عن الروایة عن مجروح. و لهذا قبلت الأصحاب مراسیل ابن أبي عمیر، و صفوان ابن يحيى، و أَحْمَدُ بْنُ أَبِي نَصْرِ الْبَرْنَاطِي لِأَنَّهُمْ لَا يَرْسِلُونَ إِلَّا عَنْ ثَقَةٍ، أو عمل الأکثر.^۴

مورد پنجم: ابن فهد حلی در کتاب المهدب البارع در مسأله وزن شرعی کر می گوید: روایة محمد بن أبي عمیر، عن بعض أصحابنا، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: الکر من الماء ألف و مائتا رطل. و عليها عمل الأصحاب، و لا يضعفها الإرسال، لعملهم بمراسیل ابن أبي عمیر.^۵

در قرون بعد فقهیانی مثل میرزای استرآبادی در منهج المقال، شیخ حر عاملی، شیخ حر بهایی، وحید بهبهانی، محقق نراقی، سید مجاهد در مثل کتاب مفاتیح؛ و از معاصرین مثل شهید صدر کسانی هستند که مراسیل ابن ابی عمیر بخصوص و بعضی دیگر را در حکم مسانید آنها دانسته اند و این توثیق عام را فی الجمله قبول دارند.

اما متأخرین من جمله حضرت امام، محقق خویی و... این قاعده را اساساً باطل می دانند که منشأ اختلاف فتوای ایشان در بسیاری از فروعات فقهی است که خود دلیل بر تأثیر علم رجال در استنباط می باشد.

والله المستعان

۴ - کشف الرموز فی شرح مختصر النافع؛ ج ۱، ص: ۳۴۴

۵ - ذکری الشیعه فی احکام الشریعه؛ ج ۱، ص: ۴۹

۶ - المهدب البارع فی شرح المختصر النافع؛ ج ۱، ص: ۸۱